

Expanding China-Iraq Economic Relations in Light of Beijing's Energy Source Diversity Policy

Karrar Heydar Mojjad Mashhadi PhD student in International Relations, Department of Political Science and International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Email: karrar.hayder@uokerbala.edu.iq

Bashir Esmaili Corresponding author, Assistant Professor in the Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran

Email: shirzadi.2032@gmail.com

Heydar Fawzi Sadeq Al-Ghazi Assistant Professor in the Department of Political Science, Political Systems and Public Policy, University of Karbala, Karbala, Iraq Email: hyderfozee@gmail.com

Mohammad Reza Aqarebparast Assistant Professor in the Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. Email: aghareb@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Iraq Energy,
Belt and Road,
Dual Hegemonic
Stability,
Iraqi Elites

ABSTRACT

China and Iraq have close economic and trade cooperation. China is Iraq's largest trading partner, and Iraq is China's third largest trading partner among Arab countries. China's aid, which is provided without political preconditions, has facilitated numerous bilateral agreements and investments. In fact, in the complex framework of global politics, the relationship between China and Iraq has changed dramatically and has transformed from diplomatic relations to deep economic relations. In this regard, given the importance of the subject, this study seeks to answer the central question, what impact has Iraqi oil had on China-Iraq economic relations? The findings of the study show that, influenced by the importance of energy in Jin's economic structure as well as Iraq's position in the Belt and Road Initiative, China's economic relations with Iraq have grown significantly in the post-Saddam era. In addition, the understanding of China in the international system by Iraqi elites is important in deepening this process. The research method in this study is descriptive and analytical, based on a qualitative method and the data collection method is library and internet sources..

Cite this Article: Mojed Mashhadi, K. H. , Esmaeili, B. , Sadeq Al-Ghazi, H. F. and Aghareb Parast, M. (2024). Expanding China-Iraq Economic Relations in Light of China's Oil Strategy. *International Relations Researches*, 14(3), 263-286. doi: 10.22034/irr.2025.543717.2758



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.543717.2758

گسترش روابط اقتصادی چین و عراق در پرتو سیاست تنوع منابع انرژی بکن

کرار حیدر موجد مشهدی دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: karrar.hayder@uokerbala.edu.iq

بشیر اسماعیلی نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
رایانامه: shirzadi.2032@gmail.com

حیدر فوزی صادق الغزی استادیار گروه علوم سیاسی نظام‌های سیاسی و سیاست‌های عمومی، دانشگاه کربلا، کربلا، عراق
رایانامه: hyderfozee@gmail.com

محمد رضا اقارب پرست استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.
رایانامه: aghareb@yahoo.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	چین و عراق همکاری اقتصادی و تجاری نزدیکی دارند. چین بزرگترین شریک تجاری عراق و سومین شریک تجاری بزرگ چین در میان کشورهای عربی است. کمک‌های چین، که بدون پیش شرط سیاسی ارائه شده است، توافق‌نامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه متعددی را تسهیل کرده است. در واقع، در چارچوب پیچیده سیاست جهانی، رابطه بین چین و عراق به طرز چشمگیری تغییر کرده و از روابط دیپلماتیک به یک روابط اقتصادی عمیق تبدیل شده است. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش بدنبال پاسخ به این پرسش محوری است، نفت عراق چه تأثیری بر روابط اقتصادی چین و عراق داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متاثر از اهمیت انرژی در ساختار اقتصادی چین و همچنین جایگاه عراق در ابتکار کمربند و جاده، روابط اقتصادی چین با عراق در عصر پسا صدام رشد قابل توجهی داشته است. بعلاوه، درک نخبگان عراقی از چین در عرصه نظام بین‌الملل، در تعمیق این فرایند از اهمیت برخوردار است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای روش کیفی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.
کلیدواژه‌ها: انرژی عراق، کمربند و جاده، ثبات هژمونیک دوگانه، نخبگان عراقی	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۸	

استناد به این مقاله: موجد مشهدی، کرار حیدر، اسماعیلی، بشیر، فوزی صادق الغزی، حیدر و اقارب پرست، محمد رضا. (۱۴۰۳). گسترش روابط اقتصادی چین و عراق در پرتو استراتژی نفتی چین. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۲۶۳-۲۸۶.

doi: 10.22034/irr.2025.543717.2758

© نویسنده (گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





مقدمه

روابط معاصر بین عراق و چین از حدود سال ۲۰۰۸، یعنی قبل از خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، شروع به اوج گرفتن کرد. سفرهای چندین نخست وزیر عراق به چین - المالکی در سال ۲۰۱۱ و العبادی در سال ۲۰۱۵ - متعاقباً در ایجاد یک رابطه‌ی «مولد و نفت‌محور» که به تدریج به سایر حوزه‌های اقتصادی گسترش یافت، مؤثر بود. از سال ۲۰۱۳، چین بزرگترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در عراق بوده و همچنین به یکی از شرکای تجاری برتر این کشور تبدیل شده است. در نقطه مقابل، عراق در سال ۲۰۲۱، پس از عربستان سعودی و روسیه، سومین تأمین‌کننده‌ی بزرگ نفت به چین بود. چین و عراق با تأکید بر تمایل خود برای تقویت بیشتر روابط، در سال ۲۰۱۵ یک «مشارکت استراتژیک» امضا کردند. این نوع مشارکت نشان‌دهنده تمایل چین برای روابط پایدار و بلندمدت است که بر پایه‌ی دو ستون سود و اعتماد متقابل بنا شده است. پس از یک دوره کوتاه مدت و آرام در روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در سال‌های اولیه مبارزه با داعش، در سال‌های اخیر شاهد افزایش قابل توجه فعالیت‌های تجاری بوده‌ایم. به عنوان مثال، درصد صادرات نفت عراق به چین از ۱۹.۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۲۹.۱ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت، این رقم در سال ۲۰۰۸، ۲.۳ درصد بود. از طرف دیگر، با وجود مذاکرات در طی سال‌های اخیر در مورد خروج نیروهای آمریکایی، دولت عراق روابط امنیتی و مالی نزدیک خود را با ایالات متحده و ایران حفظ کرده است. در واقع، علی‌رغم رقابت فزاینده چین و ایالات متحده در عرصه اقتصاد جهانی و نفوذ قابل توجه ایالات متحده در عراق، روابط چین و عراق همچنان بر محور گسترش و تعمیق قرار گرفته است. در این راستا، این پژوهش با یک رویکرد کلان، به دنبال بررسی چرایی گسترش روابط اقتصادی چین با عراق در عصر پسا صدام است. در این راستا، پرسش محوری این پژوهش بر این مبنا است، نفت عراق چه تاثیری بر گسترش روابط اقتصادی چین با عراق در عصر پسا صدام داشته است؟

۱. رهیافت نظری؛ ثبات هژمونیک دوگانه و جهانی شدن

نظریه «ثبات هژمونیک دوگانه»^۱ استدلال می‌کند که منافع اقتصادی مشترک قابل توجه ممکن است ایالات متحده و چین را به همکاری به عنوان هژمون‌های دوگانه ترغیب کند و در نتیجه، حتی اگر رقابت

¹ Dual Hegemon Thesis



ژئوپلیتیکی مداومی بین آنها وجود داشته باشد، روابط اقتصادی پایدار را ممکن سازد. در این دیدگاه، منافع شخصی در حفظ دستاوردهای اقتصادی، محدودیتی را در برابر جریان‌های اقتصادی بین‌المللی ایجاد می‌کند؛ که به نوبه خود به این معنی است که «شرکت‌های جهانی» به تجارت و سرمایه‌گذاری در سراسر جهان ادامه خواهند داد و نیازی به تغییر جهت چشمگیر خود ندارند (Grosse and et al, 2021: 16). گزاره اصلی گراس و همکاران بر این مبنا است که «دلایل قابل توجهی وجود دارد که گمان کنیم ظهور چین منجر به دورانی از حمایت‌گرایی و جهانی شدن‌زدایی نخواهد شد» (Grosse and et al, 2022: 7). این فرضیه از نسخه اصلاح‌شده‌ای از نظریه نظم جهانی و ثبات هژمونیک کیندلبرگر¹ (۱۹۷۳) بهره می‌برد.

در نظریه ثبات هژمونیک، هژمون یک ملت «قدرت بزرگ» مسلط است که کالاهای عمومی بین‌المللی را فراهم می‌کند تا یک نظم جهانی پایدار و کاربردی را تضمین کند که منافع آن را تأمین کند، اما می‌تواند منافع سایر ملت‌هایی را که از ثبات و نظم بهره‌مند می‌شوند اما نمی‌توانند خود آن را ایجاد یا حفظ کنند، نیز تأمین کند. گروس، نلسون خاطر نشان می‌کنند که تک‌قطبی بودن شرط اصلی تز ثبات هژمونیک کیندلبرگر است، زیرا مشکلات اقدام جمعی در صورت وجود همزمان دو یا چند قدرت بزرگ ایجاد می‌شود، زیرا قدرت‌های بزرگ به جای همکاری برای تأمین کالاهای عمومی، تمایل دارند از نظر استراتژیک با یکدیگر رقابت کنند. این بدان معناست که وجود دو یا چند هژمون، نظم جهانی را تضعیف یا دوپاره خواهد کرد، زیرا آنها تمایلی یا توانایی همکاری در تأمین کالاهای عمومی را نخواهند داشت. این دقیقاً همان چیزی است که در دوران جنگ سرد رخ داد. پس از سال ۱۹۴۵، ایالات متحده رهبری تشکیل نظم اقتصادی بین‌المللی لیبرال را بر عهده داشت (در حالی که اتحاد جماهیر شوروی در طول سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ رهبری یک بلوک سوسیالیستی رقیب را بر عهده داشت. هر بلوک نمایانگر «دو جهان‌بینی متضاد» بود (Varsori, 2013: 281)، و از همکاری برای تأمین «کالاهای عمومی جهانی» خودداری کرد. بحث معاصر در مورد جدایی ایالات متحده و چین اغلب «جنگ سرد و بلوک‌های اقتصادی متمایز آن را به عنوان الگویی برای اینکه فرآیند «جدایی» ممکن است به کجا منجر شود، مطرح می‌کند (Brands, 2020: 14). ایده این است که از آنجایی که دو قدرت بزرگ رقیب نمی‌توانند برای «تأمین کالاهای عمومی لازم برای تثبیت یک نظم جهانی مشترک» همکاری کنند، رقابت ژئوپلیتیکی «بین

¹ Kindleberger's



ایالات متحده و چین» فرآیندی از انشعاب سیاسی و اقتصادی را به پیش خواهد برد. در حالی که کیندلبرگر در ابتدا تک‌قطبی بودن را به عنوان یک عامل تعیین‌کننده ضروری برای ثبات هژمونیک مطرح کرد، گروس و نلسون خاطر نشان می‌کنند که برخی از محققان روابط بین‌الملل، نسخه‌ای از تز «هژمون دوگانه» کیندلبرگر را توسعه داده‌اند، بر این اساس که «چندین کشور می‌توانند کالاهای عمومی را ارائه دهند، در صورتی که مزایای انجام این کار را ببینند. در واقع، کاملاً محتمل است که چین و ایالات متحده بتوانند به عنوان «هژمون دوگانه» عمل کنند» گراس و همکاران، استدلال خود را به شرح زیر خلاصه می‌کنند: بر اساس این مفاهیم، ما استدلال می‌کنیم که ایالات متحده و چین امروزه به عنوان هژمون‌های دوگانه عمل می‌کنند. هر دو از جهانی شدن اقتصادی سود برده‌اند و اکنون، برای پیشبرد منافع ملی خود، هر دو به اصول تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی آزاد متعهد هستند، علیرغم برخی انحرافات از این اصول در هر دو طرف. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که بنابراین هر دو طرف باید مایل به ادامه حمایت از جهانی شدن اقتصادی باشند، حتی اگر نیاز به برخی اصلاحات داشته باشد. نویسندگان خاطر نشان می‌کنند که چین با کسب ثروت، به طور فزاینده‌ای کالاهای عمومی را ارائه داده است، مانند سرمایه‌گذاری‌های خارجی «طرح کمربند و جاده^۱»، یا با ایجاد نهادهای چندجانبه مانند «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۲» و سازمان همکاری شانگهای که می‌توانند همکاری‌های بین‌المللی را تسهیل کنند، ضمن اینکه آزادسازی داخلی بیشتری را نیز به همراه دارند (Qian, 2016:35-36).

گراس و نلسون تنش‌های ژئوپلیتیکی قابل توجهی را که در سال‌های اخیر پدیدار شده‌اند، کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهند. به عنوان مثال، آنها خاطر نشان می‌کنند که احتمالاً تنش‌های منظمی بین کشورها رخ خواهد داد و چنین «درگیری‌های مداوم بین چین و ایالات متحده ممکن است زنجیره‌های تأمین را مختل کند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید و موجود را تهدید کند و شامل ایجاد موانع تجاری جدید شود» (Grosse and eta al, 2021: 3). آنها اذعان می‌کنند که اینها مسائلی هستند که شرکت‌های چندملیتی باید با دقت ریسک آنها را مدیریت کنند، اما منافع همپوشانی در حفظ یک نظم اقتصادی بین‌المللی پایدار، رفتار اقتصادی منطقی را تضمین می‌کند.

گروس و همکاران یک سهم نظری توسعه‌یافته ارائه می‌دهند که به دنبال ارائه بینشی در مورد چگونگی تأثیر روابط ایالات متحده و چین بر اقتصاد جهان است. در حالی که دولت دوم ترامپ چالش‌های

¹ Belt and Road Initiative's (BRI)

² the Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)



جدیدی را برای جهانی شدن ایجاد می‌کند، تحلیل ساختاری باید فراتر از یک دوره ریاست جمهوری مشخص نگاه کند و در مورد رفتار احتمالی میان‌مدت تا بلندمدت تأمل کند. با این حال، کاربردپذیری تزه‌مونی دوگانه به شدت به این «ضرورت» بستگی دارد که ایالات متحده و چین «دیدگاه مشترکی در مورد چگونگی نگاه و عملکرد نظم جهانی داشته باشند». پیامدهای آنها برای این گزاره این است که در درازمدت، علیرغم برخی انحرافات از این اصول در هر دو طرف، هر دو کشور «به اصول تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی آزاد متعهد هستند». بنابراین، استدلال نظری «هژمونی دوگانه» را می‌توان به صورت مجموعه گزاره‌های زیر خلاصه کرد:

۱- نظم اقتصادی بین‌المللی موجود برای هر دو کشور مطلوب تلقی می‌شود زیرا در خدمت منافع اقتصادی ملی آنهاست؛

۲- دستاوردهای نظم اقتصادی بین‌المللی موجود بر نگرانی‌های واقع‌گرایانه در مورد تهدیدات استراتژیک غلبه می‌کند و به هر دو کشور اجازه می‌دهد در تأمین کالاهای عمومی جهانی، به ویژه نهادهای اقتصادی بین‌المللی، سهمیم باشند.

۲. استراتژی چین در خاورمیانه: نفت، نفوذ و تضعیف ایالات متحده

هدف اصلی چین در خاورمیانه تأمین منابع نفتی مورد نیاز برای توسعه خود است. هدف ثانویه، تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی پکن در منطقه، ترجیحاً با تضعیف نفوذ ایالات متحده است. ابزارهای اصلی چین در این تلاش، اصول تعامل آن (به ویژه عدم دخالت در امور داخلی و عدم تعهد به معنای اتحاد)، طرح کمربند و جاده و «طرح امنیت جهانی»^۱ آن است. چین یک بازیگر اقتصادی - البته تک‌کالایی - بزرگ در منطقه است، اما ردپای آن در حال متنوع شدن است و تلاش‌های دیپلماتیک آن زمینه را برای تعاملات گسترده‌تر و عمیق‌تر در آینده فراهم می‌کند. با این حال، نقش آن به عنوان تأمین‌کننده امنیت همچنان محدود است، که با توجه به وضعیت آشفته منطقه، دیپلماسی (اقتصادی) آن را نیز محدود می‌کند. از نظر اقتصادی، چین شریک تجاری اصلی بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله عراق، است (Gater, Smith, 2017: 123-124). حجم تجارت بین چین و خاورمیانه از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ تقریباً دو برابر شده و از ۵.۲۶۲ میلیارد دلار به ۲.۵۰۷ میلیارد دلار رسیده است. کل منطقه در سال ۲۰۲۲ سریع‌ترین رشد را در بین شرکای تجاری چین داشته است (Schulhof and et al, 2022: 12). با این حال، این رشد

¹ Global Security Initiative (GSI)

بر نفت متمرکز است و حدود نیمی از واردات نفت چین از خاورمیانه، عمدتاً عربستان سعودی، عراق و ایران، سرچشمه می‌گیرد. امروزه، عربستان سعودی دومین منبع بزرگ نفت چین درست پس از روسیه است که تا سال ۲۰۲۳ دومین تأمین‌کننده بزرگ چین بود. چین همچنین سال‌هاست که بزرگترین مشتری نفت ایران بوده است و نفت ایران در حال حاضر تقریباً ۱۰ درصد از کل واردات نفت چین را تشکیل می‌دهد. به دلیل تحریم‌های گسترده، شبکه‌های نفتی ایران که وارد چین می‌شوند، عموماً ثبت نمی‌شوند، زیرا توسط «ناوگان تاریک»^۱ با فرستنده‌های خاموش حمل می‌شوند-1 (The Cradle, 4 January 2024: 1).

2) با این حال، چین مراقب است که از وابستگی به یک کشور خاص اجتناب کند.

در سطح چندجانبه، چین «مجمع همکاری چین و کشورهای عربی»^۲ را تأسیس کرده است که شامل همه اعضای اتحادیه عرب می‌شود و همچنین یک گفتگوی استراتژیک با شورای همکاری خلیج فارس را پیگیری نموده است. این انجمن‌ها به چین فرصت‌های ثابتی برای تعامل با منطقه می‌دهند تا دیدگاه‌های منطقه را بهتر درک کند و همچنین دیدگاه‌های چین را ارائه دهد. چین همچنین نقش مهمی در دور دعوت‌های ۲۰۲۴ برای گسترش بریکس که شامل عربستان سعودی و ایران بود و در ترویج «سازمان همکاری شانگهای» مهم بود ایفا کرد. دومی از ایران به عنوان عضو در سال ۲۰۲۳ و از عربستان سعودی به عنوان شریک گفتگو در همان سال استقبال کرد. بنابراین چین موفق شد دو کشور رقیب را در خود جای دهد. چین همچنین به دنبال نقشی به عنوان میانجی بوده است (Qiao and Huang, 2024: 1-2). در سال ۲۰۲۳، با کمک به ایجاد توافق بین ایران و عربستان سعودی به عنوان گامی به سوی عادی‌سازی روابط، به موفقیت دیپلماتیک دست یافت. اگرچه دورهای اولیه مذاکرات توسط عراق و عمان انجام شده بود، چین در تسهیل مرحله نهایی نقش مهمی داشت. میزبانی بیانیه مشترک سه جانبه در پکن، اعتبار روایت‌های چینی را که ایالات متحده را به عنوان منبع مشکل و درگیری و چین را به عنوان یک شریک قابل اعتماد، بی‌طرف و سازنده به تصویر می‌کشند، تقویت کرد. توافق آشتی ژوئیه ۲۰۲۴ بین حماس و فتح که در چین منعقد شد، از الگوی مشابهی پیروی کرد (Mohammed, 2024: 1). در حالی که منتقدان این توافقات به درستی به فقدان محتوای آنها و این واقعیت که اثبات موفقیت در اجرای آنهاست، اشاره می‌کنند، آنها از اذعان به این نکته غافل هستند که چین در حال ایجاد بلوک‌هایی است که ممکن است

¹ Dark fleet

² China-Arab States Cooperation Forum (CASCF),



مشارکت جامع‌تری را در درازمدت امکان‌پذیر کند، در عین حال به موفقیت‌هایی در روابط عمومی نیز دست یابد که تاکنون به دلیل جانبداری در هر یک از این درگیری‌ها، از ایالات متحده دور مانده است. فراتر از اقتصاد، به دلایل متعددی، چین به تدریج نفوذ خود را در مسائل امنیتی نیز تقویت می‌کند. اول، به این دلیل که از این می‌ترسد که خاورمیانه به عنوان بستری برای گروه‌های افراطی خشونت‌طلب عمل کند که ممکن است متعاقباً به منطقه خودمختار و عمدتاً مسلمان سین کیانگ در شمال غربی چین نفوذ کنند. دوم، به این دلیل که چین با توجه به نقش خود به عنوان یک قطب حمل و نقل و منبع اصلی واردات نفت، نگرانی‌های امنیتی در مورد آسیب‌پذیری‌های ژئواستراتژیک منطقه دارد. پکن همچنین فرصت‌هایی را برای تضعیف موقعیت و تصویر ایالات متحده به دلیل سیاست‌های طرفدار اسرائیل و ضد ایران آن می‌بیند. چین با گسترش «ابتکار امنیت جهانی»، شرکت در «مجمع امنیت خاورمیانه»¹، پیشنهاد یک معماری امنیتی جدید برای خاورمیانه، مشارکت در مسائل امنیتی بین‌المللی مانند توافق هسته‌ای ایران (برجام) و قرار دادن خود به عنوان میانجی در درگیری‌های منطقه‌ای، در حال ارتقاء مشخصات امنیتی خود است (Graaff N and et al, 2020: 193-194).

پروژه امنیتی شاخص چین - «ابتکار امنیت جهانی» - توسط رئیس جمهور شی جین پینگ در سال ۲۰۲۲ آغاز شد. هدف اعلام شده آن، اتخاذ یک «رویکرد جامع به امنیت، شامل حوزه‌های سنتی و غیرسنتی»، «حل منازعات از طریق توسعه و از بین بردن زمینه‌های ناامنی» و «بهبود مدیریت امنیت جهانی» است. شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، از کشورهای عربی دعوت کرد تا در «ابتکار امنیت جهانی» شرکت کنند و اظهار داشت که جامعه بین‌المللی باید «به نقش مردم خاورمیانه به عنوان اربابان امور خود احترام بگذارد». چنین لفاظی‌هایی صریحاً با هدف مقابله با نفوذ ایالات متحده در منطقه انجام می‌شود. در حالی که این طرح تمایل به یافتن مخاطبان پذیرا دارد، چین نه قادر است و نه مایل است به نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای مانند برنامه هسته‌ای ایران، درگیری در یمن یا تهدید داعش بپردازد. در عوض، چین ترجیح می‌دهد اجازه دهد سازوکارهای امنیتی به رهبری ایالات متحده کارهای گسترده‌ای را انجام دهند، در حالی که همزمان، این تلاش‌ها را در سطح لفاظی و سیاسی تضعیف می‌کند (Tang, 2022: 1-2). در عوض، چین بر «حفاظت از منافع اقتصادی خود» تمرکز می‌کند - همانطور که اخیراً با توافقش با حوثی‌های یمن برای محافظت از کشتی‌های چینی بدون پرداختن به «تهدیدهای حوثی‌ها در

¹ Middle East Security Forum



دریای سرخ به طور کلی « نشان داده شده است - و «علاوه بر فروش اسلحه، در توافق‌نامه‌های همکاری با کشورها در زمینه اشتراک‌گذاری اطلاعات، فعالیت‌های ضد تروریسم، آموزش نظامی و نظارت بر اوضاع سرمایه‌گذاری می‌کند. چین همچنین از رزمایش‌های دریایی با چندین کشور منطقه به عنوان ابزار دیگری برای دیپلماسی استفاده می‌کند. برای مثال، سال ۲۰۲۴ پنجمین سال متوالی رزمایش‌های دریایی سه‌جانبه با ایران و روسیه بود، (Hanish, 2025: 59-61) و چین در ۲۰۲۵ رزمایش‌های دریایی با عربستان سعودی و عمان نیز برگزار کرد.

در حالی که حضور نظامی چین در خاورمیانه محدود است، این کشور اولین پایگاه خارجی خود را در جیبوتی در سال ۲۰۱۷ (حدود ۲۰۰۰ نیرو و یک اسکله که می‌تواند یک ناو هواپیمابر را در خود جای دهد) تأسیس کرد تا مأموریت‌های ضد دزدی دریایی در خلیج عدن، محافظت از کشتیرانی و اعمال قدرت دریایی به دریای عرب و خلیج فارس را ممکن سازد. در مجموع، تعامل امنیتی چین با منطقه بر اساس لفاظی قوی است و مجموعه متنوعی از کشورها را درگیر می‌کند، اما در مقایسه با ترتیبات نظامی عمیق‌تر اما انحصاری‌تر مستقر ایالات متحده در منطقه، بر اساس یک پایه نهادی ضعیف و روابط نظامی دوجانبه سطحی بنا شده است. در حال حاضر، چین از طریق میانجیگری عملی در منازعات، حفظ صلح یا کمک به پیشگیری از منازعه، چیز زیادی ارائه نمی‌دهد (Tang, 2022: 1-2).

از نظر اجتماعی-فرهنگی، تعامل چین به دنبال ایجاد و حفظ دیدگاهی خیرخواهانه نسبت به این کشورها است. با معرفی خود به عنوان جایگزینی منصفانه‌تر و قابل اعتمادتر برای کشورهای غربی و به عنوان شریکی که فرصت‌های همکاری «بدون قید و شرط» را تحت ابتکار کمر بند و جاده ارائه می‌دهد، چین تلاش می‌کند از دیده شدن به عنوان یک تهدید جلوگیری کند، پذیرش سیاست‌های اصلی خود را تسهیل کند و به لفاظی‌های ضد آمریکایی خود اعتبار ببخشد. علاوه بر اصول عدم مداخله در امور داخلی و عدم تعهد به معنای اتحاد، ابزارهای اصلی قدرت نرم چین تقریباً ۲۱ مؤسسه کنفوسیوس و کلاس‌های کنفوسیوس در سراسر منطقه، از جمله دو مؤسسه در ایران و یک مؤسسه در عربستان سعودی و انجمن‌های دوستی است که تأسیس کرده است (Macikenaite, 2020: 109-110). جشنواره‌های فرهنگی، کنسرت‌ها و تبلیغات کتاب چینی در منطقه یک اتفاق رایج است.

۳. جایگاه عراق در روابط خارجی چین

در دوران مدرن، دوستی بین چین و عراق بر پایه درک متقابل بنا شده و در پاسخ به فرصت‌های جدید همچنان در حال تکامل است. در طول سال‌ها، چین و عراق پیوند خوبی برقرار کرده‌اند. جمهوری چین



برای اولین بار پادشاهی عراق را در سال ۱۹۴۲ به رسمیت شناخت، اگرچه روابط آنها محدود ماند. با این حال، پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، مائو تسه تونگ (۱۹۴۹-۱۹۷۶) به طور فعال از جنبش‌های ملی‌گرایانه و آزادی‌بخش در سراسر جهان حمایت کرد (Barbieri, 1996:29-30).

پس از انقلاب ۱۹۵۸ در عراق، به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم که سلطنت و دولت طرفدار بریتانیا را سرنگون کرد، عراق از پیمان بغداد که مورد حمایت غرب بود، خارج شد و یک دولت ملی‌گرا به رهبری قاسم تأسیس کرد. چین این تغییر را پذیرفت و عراق را به عنوان یک ملت ضد امپریالیست دید. جمهوری خلق چین رسماً جمهوری عراق را در ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۸ به رسمیت شناخت که منجر به برقراری روابط دیپلماتیک شد. در همان سال، عراق و چین اولین توافقنامه تجاری خود را امضا کردند. با وجود کودتاهای عراق در سال ۱۹۶۳ که منجر به مرگ قاسم شد و در سال ۱۹۶۸ که ظهور حزب بعث را تسهیل کرد، تجارت بین عراق و چین همچنان رونق داشت. چین خرما و نفت عراق را وارد می‌کرد، از ملی شدن صنایع کلیدی عراق، از جمله نفت و تولید، حمایت می‌کرد و خودروهایی ساخت چین را به عراق عرضه می‌کرد. بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴، چهار توافقنامه تجاری امضا شد و کمیته‌های مشترکی برای نظارت بر اجرای آنها تأسیس شد. چین قصد داشت گزینه‌های تجاری جایگزین فراتر از غرب را در اختیار عراق قرار دهد در این دوره، چین به عراق در تهیه ماشین‌آلات و سازماندهی نمایشگاه‌های تولیدی، مانند نمایشگاه بازسازی اقتصادی چین در عراق، کمک کرد. تجارت چین و عراق از چند صد هزار دلار آمریکا در اواخر دهه ۱۹۵۰ به بیش از ۶ میلیون دلار تا سال ۱۹۶۲ افزایش یافت (Calabrese, 1992: 473-476). در بعد دیگر، رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی چین و شوروی در منطقه، روابط چین و عراق را شکل می‌داد. شکست عراق، سوریه و مصر در جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، چین را به عراق نزدیک‌تر کرد. در سال ۱۹۷۱، عراق به پذیرش جمهوری خلق چین در سازمان ملل متحد، به جای تایوان، رأی مثبت داد و از پیشنهاد چین برای کرسی دائم در سازمان ملل متحد حمایت کرد. با وجود روابط خوب با مسکو، رقیب پکن، عراق در طول دهه ۱۹۷۰ روابط صمیمانه‌ای با پکن حفظ کرد. در دهه ۱۹۸۰، تحت رهبری دنگ شیائوپینگ، چین شروع به گشودن روابط و تعامل با نظم بین‌المللی لیبرال کرد. در این دوره، عراق و چین هفت توافقنامه و تفاهم‌نامه تجاری، اقتصادی و فنی امضا کردند. چین در پروژه‌های بزرگی از جمله ساخت پل در بغداد و موصل، سالن‌های ورزشی در بغداد، بزرگرایی در شمال عراق و یک کارخانه پشم‌شویی و ریسندگی در کفری شرکت کرد و در عین حال ۴۰ میلیون دلار وام نیز به این کشور اعطا کرد. علاوه بر این، چین در دهه ۱۹۷۰ به عراق سلاح فروخت. در دهه



۱۹۸۰، عراق در طول جنگ ایران و عراق به یکی از مشتریان اصلی نظامی چین تبدیل شد (Emadi, 1992: 383-384). چین تجهیزات نظامی از جمله هواپیماهای جنگی (J-6 و J-7)، تانک‌های اصلی جنگی Type-59، موشک‌های ضد کشتی کرم ابریشم HY-2، توپخانه و مواد نظامی مانند هیدرید لیتیوم را به عراق عرضه کرد. چین در جنگ ایران و عراق موضع بی‌طرفی خود را حفظ کرد، اما نه درصد از تسلیحات عراق، به ارزش ۲.۴ میلیارد دلار، در طول درگیری از چین تأمین می‌شد. در طول دهه ۱۹۸۰، روابط تجاری و اقتصادی بر اساس قراردادهایی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ امضا شده بود، افزایش یافت. به عنوان مثال، یکی از مهمترین پروژه‌ها، پروژه احیای کشاورزی از بابل تا الشعنف و کربلا بود که به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار رسید. تا سال ۱۹۸۷، عراق به یکی از بزرگترین بازارهای نیروی کار چین تبدیل شده بود و کارگران چینی زیادی در پروژه‌های پیمانکاری مشغول به کار بودند. با وجود جنگ، بسیاری از کارگران چینی در عراق باقی ماندند و نزدیک به ۲۲۰۰۰ نفر از آنها بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶ روی بیش از ۱۴۰ پروژه کار کردند (Degerald, 2018: 39-46).

پس از حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰، چین از قطعنامه‌های ۶۶۰ و ۶۶۱ شورای امنیت سازمان ملل که تحریم‌هایی را علیه عراق اعمال می‌کردند، حمایت کرد، اما از قطعنامه ۶۷۸ در ۲۹ نوامبر برای جنگ علیه عراق حمایت نکرد. چین روش‌های دیپلماتیک را ترجیح داد و از مشارکت در آزادسازی کویت خودداری کرد. پس از اعمال تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، چین خواستار کاهش تحریم‌ها شد زیرا آنها خسارات قابل توجهی به عراقی‌ها وارد کرده بودند. روابط چین و عراق زمانی تقویت شد که چین از رأی دادن به قطعنامه شماره ۶۷۸ شورای امنیت، که در آن می‌توانست علیه عراق برای اخراج آن از کویت از زور استفاده شود، خودداری کرد (El-Kholi, 2018: 182-183) در دهه ۱۹۹۰، روابط عراق و چین رو به بهبود بود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۸، عراق نفت را به ارزش ۵۱.۴ میلیون دلار به چین صادر کرد و عراق کالاهایی به ارزش ۱۰۵ میلیون دلار وارد کرد. همچنین، عراق مشتری اصلی تسلیحات چین در منطقه بود و چین در پروژه‌های ساختمانی عراق مشارکت داشت (Degerald, 2018: 40)، اما این امر در طول تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ با مانع مواجه شد.

۴. توسعه روابط عراق و چین پس از آوریل ۲۰۰۳

چین حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را رد کرد و از دولت آمریکا خواست تا آتش بس کند و بر لزوم احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و ایفای نقش کامل سازمان ملل متحد تأکید کرد. اما نگرانی‌های چین در مورد از دست دادن پروژه‌های تولیدی، چین را به حمایت سریع از روند



سیاسی جدید عراق سوق داد. در ژوئیه ۲۰۰۳، چند ماه پس از حمله ایالات متحده، چین از تأسیس «شورای حکومتی عراق»^۱ استقبال کرد. این نهاد حکومتی موقت تحت نظر «حکومت موقت ائتلاف»^۲ به رهبری ایالات متحده فعالیت می‌کرد. در این راستا، چین سفارت خود را در بغداد بازگشایی کرد. در اوت ۲۰۰۳، جلال طالبانی، رئیس دوره‌ای شورای حکومتی عراق و دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان، از چین بازدید کرد و چین آماده بود تا نقشی مثبت در بازسازی عراق ایفا کند. چین یک پیشنهاد پنج ماده‌ای برای بازسازی عراق ارائه داد. در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۳، چین در کنفرانسی در مورد بازسازی عراق در مادرید، اسپانیا شرکت کرد. این کشور قول داد که بدهی‌های عراق به چین را لغو کند و ۲۴ میلیون دلار به عراق اهدا کرد (Lee, 2013: 122-125).

در ژوئیه ۲۰۰۷، رئیس جمهور وقت عراق، طالبانی، از چین بازدید کرد و با رئیس جمهور جیتائو ملاقات کرد. هر دو کشور چهار توافق‌نامه امضا کردند، از جمله توافق‌نامه‌ای که بخشی از بدهی‌های عراق به چین را لغو می‌کرد. تصمیم گرفته شد که صد درصد بدهی‌های دولتی عراق لغو شود، در حالی که هشتاد درصد بدهی‌های غیردولتی مربوط به شرکت‌ها کاهش یافت. بدهی عراق ۵۸ میلیارد دلار بود که در ازای تقویت همکاری اقتصادی بین دو کشور لغو شد. همچنین، عراق به دلیل ناتوانی ایالات متحده در ارائه سریع برخی تجهیزات به نیروهای امنیتی عراق، تجهیزات نظامی سبکی به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار از چین برای پلیس عراق خریداری کرده بود. این اقدامات تأثیر خود را گذاشت و شرکت‌های چینی به تدریج شروع به ورود به عراق کردند. در آن زمان، توافق‌نامه‌ای برای همکاری اقتصادی و فنی و یک برنامه آموزشی منابع انسانی و سرمایه‌گذاری در میدان نفتی امضا شد (El-Kholi, 2018: 183-186).

در نوامبر ۲۰۰۸، «شرکت ملی نفت چین»^۳ که یک شرکت دولتی است، اولین قرارداد بزرگ خدمات نفتی در عراق را به ارزش ۳ میلیارد دلار برای توسعه میدان نفتی ۱ میلیارد بشکه‌ای الاحدب به مدت ۲۳ سال با همکاری «سازمان بازاریابی نفت دولتی عراق»^۴ و شرکت صنایع شمالی چین امضا کرد. این شرکت چینی هزینه خدمات ۶ دلار برای هر بشکه دریافت می‌کرد که به تدریج به ۳ دلار کاهش می‌یابد. شرکت ملی نفت چین در تضمین اولین پروژه نفتی عراق، از شرکت‌های نفتی غربی پیشی گرفت. این

¹ Iraqi Governing Council of Iraq

² Coalition Provisional Authority (CPA)

³ China National Petroleum Corporation (CNPC)

⁴ Iraq's State Oil Marketing Organization (SOMO)



توافق‌نامه، شرایط توافق‌نامه ۱۹۹۷ بین چین و عراق را اصلاح می‌کرد. در ژوئن ۲۰۰۹، شرکت ملی نفت چین دومین قرارداد خدمات فنی برای میدان نفتی روميله را که با «بریتیش پترولیوم»^۱، سازمان بازاریابی نفت دولتی عراق و «شرکت نفت جنوب عراق»^۲ مشترک بود، امضا کرد (Lee, 2013: 122-125).

سومین قرارداد شرکت ملی نفت چین در دسامبر ۲۰۰۹ برای توسعه میدان نفتی الحلفیه بود که با توتال فرانسه، پتروناس مالزی و شرکت نفت دولتی مالزی مشترک بود. چهارمین دستاورد شرکت ملی نفت چین، خرید ۲۵ درصد از سهام (۶۰ درصد) از اکسون موبیل در سال ۲۰۱۳ برای میدان نفتی قرنه غربی ۱ بود. در سال ۲۰۱۴، سهام شرکت ملی نفت چین به ۷.۳۲ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۲۱، شرکت سینوپیک قراردادی ۲۵ ساله برای توسعه میدان گازی منصوریه عراق با ۴۹ درصد سهام به دست آورد. در ژوئیه ۲۰۱۱، نوری المالکی، نخست وزیر عراق، از چین بازدید کرد و با نخست وزیر ون جیابائو، رئیس جمهور جینتائو و رهبران تجاری دیدار کرد. در آن سال، عراق به ارزش ۶.۹ میلیارد دلار نفت به چین صادر کرد و عراق کالاهایی به ارزش ۸۲.۳ میلیارد دلار وارد کرد. یک سال بعد، در سال ۲۰۱۲، عراق به چهارمین شریک تجاری بزرگ عربی چین تبدیل شد. حجم تجارت دوجانبه به ۵۶۹.۱۷ میلیارد دلار آمریکا رسید که نسبت به سال قبل ۱۳.۲۳ درصد رشد داشت. چین ۶۸.۱۵ میلیون تن نفت خام از عراق وارد کرد که نسبت به سال قبل ۸۷.۱۳ درصد رشد داشت (Moreira, 2013: 134-136).

در سال ۲۰۱۳، چین بیش از نیمی از تولید نفت عراق، تقریباً ۵.۱ میلیون بشکه در روز، را خریداری کرد. در سطح جهانی، چین به یکی از بزرگترین واردکنندگان نفت جهان تبدیل شده است. از سوی دیگر، در سال ۲۰۱۵، عراق فناوری پهپادهای تسلیحاتی و موشک‌های هدایت‌شونده را از چین به دست آورد که به بازپس‌گیری قلمرو از دولت اسلامی عراق و سوریه (داعش) در میدان نبرد در موصل و رمادی کمک کرد. شرکت‌های نظامی چین با توسعه پهپادها، مسلسل‌ها، خمپاره‌اندازها و تجهیزات ارتباطی نظامی از عراق حمایت می‌کنند. در اوج جنگ علیه داعش و نیاز فوری به تسلیحات در سال ۲۰۱۷، قراردادی به ارزش ۵.۲ میلیارد دلار با چین برای تأمین سلاح‌های سبک و متوسط عراق، به صورت پرداخت معوق، برای وزارتخانه‌های کشور و دفاع، سازمان بسیج مردمی و سرویس مبارزه با تروریسم امضا شد همچنین، در طول درگیری عراق با داعش، چین کمک‌های بشردوستانه قابل توجهی ارائه داد. صلیب سرخ چین کمک‌های اضطراری مانند لوازم پزشکی، غذا و چادر برای پناهندگان عراقی

¹ British Petroleum (BP)

² Iraq's South Oil Company (SOC)



فراهم کرد. علاوه بر این، چین تیم‌های پزشکی را برای ارائه خدمات درمانی به عراق اعزام کرد. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، عراق حدود ده درصد از واردات نفت خام چین را به خود اختصاص داد و به طور مداوم رتبه دوم یا سوم را در بین تأمین‌کنندگان نفت چین داشت. عراق در حال حاضر سومین شریک تجاری بزرگ در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، بازار اصلی برای قراردادهای مهندسی و یکی از بزرگترین مقاصد سرمایه‌گذاری خارجی چین است (Sassoon, 2018: 152-153).

در دسامبر ۲۰۱۵، حیدر العبادی، نخست وزیر عراق، از چین بازدید کرد و طی یک سفر دو روزه، یک همکاری استراتژیک و طرح کمربند اقتصادی را برقرار کرد و با رئیس جمهور شی جین پینگ ملاقات کرد. طرح کمربند اقتصادی که رسماً در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین پینگ آغاز شد، به عنوان بزرگترین برنامه زیرساختی جهان توصیف می‌شود. این طرح به دنبال افزایش اتصال جهانی در سراسر آسیا با آفریقا و اروپا از طریق خشکی و دریا از طریق تولید، تجارت و زنجیره‌های تأمین، همکاری و رشد اقتصادی است. مدل اقتصادی و تجاری جدید چین گاهی اوقات به عنوان جهانی شدن جدید شناخته می‌شود. ابتکار "کمربند و جاده" به عنوان جاده ابریشم جدید این دوران در نظر گرفته می‌شود، با اشاره به شبکه‌ای از جاده‌های منشعب که قبایل چینی در گذشته برای فروش کالاهای خود در سراسر جهان از آن استفاده می‌کردند، و عراق ستون اساسی این ابتکار است بنابراین، پکن علاقه‌مند به توسعه روابط خود با بغداد است تا بتواند سنگ بنای ارتباطات تجاری خود بین کشورهای خاورمیانه و بقیه کشورهای باشد که در محدوده طرح چین قرار دارند، که طبق گفته چین شامل ۱۲۵ کشور می‌شود (Marsoumi and Kamel, 2021: 2-5). همچنین، عراق که پنجمین ذخایر بزرگ نفت جهان و موقعیت جغرافیایی استراتژیک در قلب خاورمیانه را دارد، علاوه بر مناسب بودن برای ایفای نقش گذرگاه کشتیرانی برای حمل کالاهای خود به سایر کشورهای خلیج فارس، ترکیه و همچنین سوریه و لبنان، از سوی چین به عنوان سنگ بنای هدایت تجارت در سراسر اروپا و آسیا در نظر گرفته می‌شود. طبق گزارش بانک جهانی، عراق دارای ذخایر نفتی ۱۴۵ میلیارد بشکه است که معادل تأمین نفت بیش از ۱۰۰ سال با نرخ تولید فعلی است (Qiao and Huang, 2024: 1-2).

پروژه پیشنهادی جاده ابریشم یکی از پروژه‌هایی است که چین سعی داشت عراق را برای ساخت آن متقاعد کند، که از بندر فاو از طریق عراق، از جمله منطقه کردستان، تا ترکیه و اروپا امتداد دارد. شبکه جاده ابریشم از مسیرهای تجاری باستانی که در دوران سلسله هان چین تأسیس شد، مناطق جهان باستان را از سال ۱۳۰ پیش از میلاد تا ۱۴۵۳ میلادی به صورت تجاری به هم متصل می‌کرد و شرق را به غرب



متصل می‌ساخت. این پروژه عراق را به اروپا متصل می‌کند و فرصت‌های زیادی ایجاد می‌کند، اهمیت استراتژیک و موقعیت جغرافیایی آن را افزایش می‌دهد و عراق را به یک بازار مرکزی مهم تبدیل می‌کند. عراق در تقاطع کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم قرار دارد. کمربند و جاده ابریشم دارای چند خط است که از عراق عبور می‌کند و چین را به اروپا متصل می‌کند. یک خط از چین شروع می‌شود، از آسیای مرکزی و ایران عبور می‌کند و از غرب وارد عراق می‌شود. بندر فاو که در بصره واقع شده و در خلیج فارس قرار دارد، عراق را به شبکه‌های جاده ابریشم متصل می‌کند (AI- Hayali, 2015: 13-17). ارزش تبادلات تجاری بین عراق و چین در سال ۲۰۱۷ بیش از ۲۲ میلیارد دلار بود که نسبت به سال ۲۰۱۶، ۸.۲۱ درصد افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۸، سرمایه‌گذاری‌های چین به ۲۰ میلیارد دلار، عمدتاً در بخش نفت، رسید. در سال ۲۰۱۸، چین ۲۷ درصد از کل نفت عراق را وارد کرد و بنابراین ۲۲ میلیارد دلار از کل ۸۳ میلیارد دلاری که عراق در آن سال از فروش نفت خود به کشورهای جهان به دست آورد، توسط چین پرداخت شد. تنها در سال ۲۰۲۱، چین تقریباً ۴۴ درصد از نفت عراق را وارد کرد و با حجمی بیش از ۶۰ میلیون تن نفت خام، رتبه اول تقاضای نفت عراق در جهان را به خود اختصاص داد. حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۲ به ۵۳.۳۷ میلیارد دلار افزایش یافت که نسبت به ۲۰.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵، ۱۶۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در ۲۰۲۴، عراق ۳۵ درصد از نفت خود را به چین صادر می‌کرد (Hama Sdiq, 2023: 19-22).

در سپتامبر ۲۰۱۹، عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق، از چین بازدید کرد و هشت توافق‌نامه با چین امضا کرد. این توافق‌نامه، چارچوب توافق‌نامه بین وزارت دارایی عراق و شرکت بیمه صادرات و اعتبار چین بود که شامل پروژه‌های مربوط به جاده‌ها، شبکه‌های راه‌آهن، مسکن، بنادر، بیمارستان‌ها، مدارس، سدهای آب، انرژی و حمل و نقل می‌شود. دو پروژه بزرگ انرژی، یکی در شمال بغداد و دیگری در جنوب عراق وجود داشت. اولی در زمینه سوخت و دومی در زمینه تولید برق بود. کار روی آنها توسط شرکت‌های چینی از سر گرفته شده است و آنها از جمله پروژه‌هایی بودند که در سال‌های گذشته تکمیل نشده بودند. قرار بود این توافق‌نامه حداقل ده سال طول بکشد و عراق بازسازی در زیرساخت‌ها، حمل و نقل، صنعت، بهداشت، آموزش، ارتباطات و رسانه‌ها را بدون پرداخت پول تضمین کند، بلکه یک میلیون بشکه در روز خارج از سهمیه اوپک صادر کند بدون اینکه بر بودجه مالی تأثیر بگذارد. این توافق‌نامه، معامله نفت در برابر بازسازی با چین نامیده شد. همچنین، چین در ازای نفت، علاوه بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در ساخت کارخانه‌های عظیم برای تولید مواد سنگین مانند خودرو،



مواد الکتریکی و کالاهای مصرفی روزانه مشارکت خواهد کرد. این پروژه‌ها درهای گسترده‌ای را برای استخدام صدها هزار کارگر بیکار از هر نوع، چه فارغ‌التحصیل و چه کارگر ماهر، باز خواهد کرد. شایان ذکر است که میزان پول انباشته شده در صندوق بازسازی چین در عراق تا سال ۲۰۱۹ به نیم میلیارد دلار رسیده است (Salem, 2023: 1-2).

در سال ۲۰۲۱، قراردادهای ساختمانی چین به ۱۰.۵ میلیارد دلار رسید که بالاترین میزان کار ساختمانی برای چین در خارج از کشور محسوب می‌شود. در مورد تولید نفت، بیش از نیمی از تولید نفت عراق از میدانی است که توسط شرکت‌های چینی مانند شرکت ملی نفت چین و پتروچاینا اداره می‌شوند. این شرکت‌ها سهام قابل توجهی در میداین نفتی بزرگ دارند و به دنبال تصاحب میداین بیشتر در آینده هستند. در زمینه برق نیز همکاری‌های زیادی وجود دارد، زیرا شرکت‌های برق چینی بیش از پنجاه درصد از برق عرضه شده به بغداد و اطراف آن را تولید می‌کنند. چینی‌ها استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری‌های مالی، توانایی‌های علمی و فناوری، تخصص و تمایلات لازم را دارند و آماده‌اند تا با کشورهای جهان، از جمله عراق، وارد همکاری‌های مشترک شوند (Ozheb, 2023: 1).

تراز تجاری بین چین و عراق هنوز در مقایسه با روابط تجاری عراق با کشورهای مختلف جهان که بر اساس قیمت نفت سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، بزرگترین تراز تجاری است. نیاز چین به نفت عراق تا سال ۲۰۶۵ ادامه خواهد یافت و عراق قصد دارد با بهره‌گیری از تخصص بین‌المللی، از جمله چینی‌ها، به توسعه در کشور دست یابد. در سال ۲۰۲۱، عراق به سومین تأمین‌کننده بزرگ نفت چین تبدیل شد. این کشور حدود ۱۰ درصد از سهم بازار نفت چین را تأمین می‌کند، پس از عربستان سعودی ۱۷.۴ و روسیه ۱۵.۵. عراق برای پیشبرد منافع خود، در آگوست ۲۰۲۱ برای پیوستن به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا درخواست داد. چین، به عنوان یکی از اعضای کلیدی، درخواست عراق برای واریز مازاد مالی خود را تسهیل کرد. وام‌های کلانی با شرایط مطلوب‌تر و نرخ بهره پایین‌تر در مقایسه با بانک جهانی ارائه می‌دهد. عضویت عراق در دسامبر ۲۰۲۱ پذیرفته شد (Hoh, 2021: 34-37).

این اقدام، حمایت مالی از پروژه‌های تحت رهبری چین در عراق را فراهم می‌کند. عراق همچنین قصد دارد درخواستی برای پیوستن به کشورهای بریکس (گروهی شامل چین، روسیه، آفریقای جنوبی، هند و برزیل) و درخواست دیگری برای عضویت در کنفرانس شانگهای ارائه دهد. کنفرانس شانگهای یک سازمان همکاری است که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و در حال حاضر شامل ده کشور عضو چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، بلاروس و ایران



است. این امر برای ایجاد تعادل با اقتصادهای رقیب است. در سال ۲۰۲۴، محمد شیاع السوداني، نخست وزیر عراق، از ادغام احتمالی طرح کمربند و جاده چین با پروژه جاده توسعه عراق خبر داد. همچنین در سال ۲۰۲۴، شورای بازرگانی عراق و چین از اجرای بیش از ۲۰۰ پروژه با ارزش تخمینی ۵ میلیارد دلار از بودجه عراق در چین خبر داد. از جمله قابل توجه‌ترین پروژه‌ها، توسعه فرودگاه بین‌المللی ناصریه بود که هدف آن اسکان ۲.۵ میلیون مسافر در سال و ساخت هزاران مدرسه به سبک مدرن بود. از سوی دیگر، عراق در معاملات تجاری خود با چین به جای دلار آمریکا، یوان چین را پذیرفته است که این امر باعث تسهیل و تسریع معاملات مالی و کاهش هزینه‌های واردات می‌شود. بانک مرکزی عراق در فوریه ۲۰۲۳ اعلام کرد که قصد دارد تسویه حساب تجاری با چین را مستقیماً با یوان انجام دهد تا کمبود دلار در بازارهای محلی را جبران کند (Rasheed, 2024: 105-106).

در نهایت می‌توان استدلال کرد، عراق برای تنوع بخشیدن به روابط بین‌المللی خود در جهان، نیاز به پیشرفت وضعیت اقتصادی و توسعه خود دارد و به دنبال تقویت روابط خود با چین است. یکی از راه‌های انجام این کار، تقویت روابط اقتصادی خود با چین است. بنابراین، عراق در اجلاس سران عرب و چین که به میزبانی عربستان سعودی و با حضور شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، با حضور ۳۰ کشور و سازمان بین‌المللی برگزار شد، شرکت کرد تا در مورد چشم‌انداز همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای بحث کند. این اجلاس، زمینه بزرگی را برای همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک برای همه کشورهای شرکت‌کننده در آن فراهم کرد. گشودگی اقتصادی اعراب به روی چین به این دلیل به وجود آمد که این کشور ابزارهای اقتصادی، اطلاعاتی، فناوری و فرهنگی برای بهره‌مندی از فناوری چین و گسترش روابط تجاری با دومین اقتصاد بزرگ جهان دارد. برای چین، عراق از نظر ژئوپلیتیکی و استراتژیکی مهم است زیرا در مسیرها و شبکه‌های حیاتی طرح یک کمربند، یک جاده قرار دارد.

شرکت‌های چینی با هدایت ابتکار کمربند و جاده، به طور گسترده و عمیقی در پروژه‌های نفت، برق، مدارس و سایر پروژه‌ها در عراق مشارکت دارند و به رشد اقتصادی عراق کمک کرده‌اند. شرکت‌های نفتی چینی با فناوری غنی، تجربه و مدیریت پیشرفته خود، سهم قابل توجهی در توسعه صنعت نفت عراق داشته‌اند. شرکت‌های چینی به درخواست دولت عراق برای توسعه پایدار سبز پاسخ می‌دهند. عراق به دلایل زیادی چین را ترجیح می‌دهد. چین، برخلاف سایر قدرت‌های بزرگ، برنامه نظامی و امنیتی مداخله‌جویانه‌ای در عراق ندارد. شرکت‌های چینی در عراق راحت‌تر از شرکت‌های غربی در مناقصه‌ها برنده می‌شوند، زیرا دولتی هستند و انعطاف‌پذیری لازم برای اولویت‌بندی انرژی بر سود را دارند. در



عین حال، شرکت‌های غربی، که توسط مقررات محدود شده‌اند، کمتر مایل به تجارت در یک محیط پرخطر هستند. بسیاری از شرکت‌های نفتی غربی شروع به کاهش حضور خود در عراق کرده‌اند، زیرا این کشور را یک محیط سرمایه‌گذاری پرخطر می‌دانند به‌ویژه خروج شرکت نفتی آمریکایی اکسون موبیل از میدان نفتی «غرب قرنه ۲» با وجود درخواست‌های رسمی دولت مبنی بر عدم انجام این کار نمودی از این فرایند است (Hoh, 2021: 34-37). برخلاف غرب، چین بدون تحمیل شرایط سیاسی به رهبران عراق، مانند دستیابی به دموکراسی بیشتر یا پیروی از سیاست‌های اصلاحات ساختاری برای اقتصاد محلی، کمک‌های سخاوتمندانه‌ای به عراق ارائه می‌دهد، بنابراین همکاری با چین جذاب‌تر به نظر می‌رسد. چینی‌ها مایلند قراردادهای خود را با قیمت‌های ارزان‌تر در مقایسه با پیشنهاد‌های شرکت‌های غربی به دست آورند. هزینه‌های پیشنهادی چینی‌ها یک عامل رقابتی است. شرکت‌های غربی نتوانستند با چین پیشنهاد‌هایی رقابت کنند. سهم شرکت‌های چینی در برخی بخش‌ها حدود یک سوم چیزی است که شرکت‌های غیرچینی ارائه می‌دهند.

۵. دیدگاه نخبگان حاکم عراق نسبت به چین

به طور کلی، نخبگان حاکم اصلی عراق چین را به عنوان یک شریک مطلوب در نظر می‌گیرند، زیرا آنها از رونق اقتصادی ناشی از قیمت مناسب نفت، ثبات نسبی و کنترل سیاسی تثبیت‌شده بهره‌مند هستند. سه عامل جذابیت چین به عنوان یک شریک را در این برهه از زمان توضیح می‌دهد: این کشور سیاست خارجی را دنبال می‌کند که کمتر مداخله‌جویانه، محترمانه‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر از سیاست ایالات متحده تلقی می‌شود؛ تعامل آن، مجموعه شرکای خارجی عراق را متنوع می‌کند؛ و در نهایت، معاملات اقتصادی آن، سود متقابلاً سودمندی را برای عراق ایجاد می‌کند. سیاست خارجی چین با سیاست خارجی غرب - و به ویژه ایالات متحده - متفاوت است، به این معنا که صریحاً در درگیری‌های متعدد خاورمیانه طرف هیچ طرفی را نمی‌گیرد. چین روابط خوبی با ایران و همچنین با امارات متحده عربی، عربستان سعودی و اردن دارد. با این حال، اخیراً بیشتر از اسرائیل انتقاد کرده است، که این امر تنها جذابیت آن را در سراسر مناطق غرب خاورمیانه افزایش می‌دهد. سیاست خارجی چین به شرایط داخلی مانند اقتدارگرایی، فساد یا تکثیر گروه‌های مسلح اهمیتی نمی‌دهد، چه برسد به اینکه در آنها دخالت کند. این کشور به سادگی این شرایط را می‌پذیرد و از طریق دولت ملی و شرکای محلی به گونه‌ای عمل می‌کند که به دنبال تطبیق چنین مسائلی باشد، نه اینکه سعی کند ایده‌های حکومتداری خوب یا دیدگاه‌های وبری در مورد دولت را به همتایان خود القا کند. در چنین تلاش‌هایی، چین از جایگاه قدرت بزرگ



خود، گزاره‌های برد-برد جذاب اقتصادی و ارائه تدریجی مزایای ملموس به عنوان ابزار استفاده می‌کند. به طور خلاصه، بیان اینکه به حاکمیت عراق احترام می‌گذارد به این معنی است که چین به دنبال تعامل با نخبگان عراقی بر اساس شرایط آنها برای دستیابی به آنچه برای خود می‌خواهد، است (Gulmohamad, 2021: 35-36). در نگاه اول، به نظر می‌رسد موضع چین به خوبی با گفتمان اخیر نخبگان عراقی در مورد «حاکمیت» که هدف آن کاهش نفوذ خارجی در این کشور است، ارتباط برقرار می‌کند.

دلیل دیگری که نخبگان حاکم عراق چین را به طور کلی مطلوب می‌دانند این است که همکاری نزدیکتر با پکن، سبب امور خارجی بغداد را متنوع می‌کند. چنین تنوع‌بخشی به روابط خارجی، روندی در سراسر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. به عنوان مثال، امارات متحده عربی روابط قوی خود را با هند، چین و ایالات متحده حفظ می‌کند و در عین حال روابط خود را با روسیه و اسرائیل تقویت می‌کند. به همین ترتیب، عربستان سعودی از پیروی از رهبری ایالات متحده در تحریم روسیه خودداری کرده و در عوض روابط خود را با ایران و چین متنوع و عمیق‌تر کرده است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس - از جمله عراق - به دلیل ساده کاهش وابستگی و تنوع‌بخشی به گزینه‌های سیاسی خود، درگیر کاهش نسبی روابط خود با ایالات متحده و بریتانیا هستند، بدون اینکه قصد کنار گذاشتن آنها را داشته باشند. عراق بخشی از این روند گسترده‌تر است که کشورهای عربی نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس را در نظر دارد که بدون جانبداری از هیچ قدرت بزرگی، بیشتر بر توسعه ملی خود تمرکز کنند. طرح بغداد برای استفاده از یک شرکت کره جنوبی برای ارتقاء بندر فاو، ادامه همکاری آن با طرح یک کمربند، یک جاده چین و طرح‌های خود آن برای ایجاد یک «کانال خشک» - یا «جاده توسعه» - از بندر فاو تا فیش کابور در مرز ترکیه/عراق، نمونه‌هایی از چگونگی چنین تنوعی در عمل هستند. هیچ یک از جناح‌های سیاسی عراق قصد ندارند به جای ایالات متحده، به چین وابسته شوند (Rasheed, 2024: 107-108).

دلیل آخر اینکه چرا نخبگان حاکم عراق از تعامل بیشتر با چین استقبال می‌کنند این است که معاملات نفتی سودآور متقابل، مزایای جانبی جذابی را به همراه دارند. به عنوان مثال، در حالی که چین تمرکز قابل پیش‌بینی و روشنی بر سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات نفت از عراق در برابر قیمت‌های بازار جهانی دارد، در بازسازی زیرساخت‌های کلیدی عراق نیز کمک می‌کند. این امر به طور مناسبی نقطه قوت اصلی قابلیت‌های طرح یک کمربند، یک جاده چین است. اگرچه احتمالاً مهارت ساخت و ساز چین از فساد، پارتی‌بازی و ضعف اداری عراق آسیب خواهد دید، اما استانداردهای انعطاف‌پذیرتر، روابط مثبت با



نخبگان شورای همکاری خلیج فارس، ریسک‌پذیری بیشتر به دلیل ارتباط با دولت چین و آشنایی بیشتر با محیط‌های مستعد درگیری، به پکن برتری می‌دهد (Gulmohamad, 2021: 37-38).

از منظر امنیتی و در کوتاه‌مدت، اهمیت چین در عراق بسیار ناچیز یا صفر است. این کشور هیچ حضور نظامی در این کشور ندارد و تنها در همکاری‌های امنیتی بسیار محدودی (عمدتاً فروش اسلحه) مشارکت دارد. همچنین در مورد درگیری‌های مسلحانه داخلی عراق یا درگیری منطقه‌ای بین ایران، «محور مقاومت»، اسرائیل و ایالات متحده موضعی اتخاذ نمی‌کند، اگرچه وضعیت اقتصادی و معاملات پکن در عراق به طور غیرمستقیم به تعدادی از گروه‌های مسلح مرتبط با ایران سود می‌رساند. با این حال، از منظر اقتصادی، پکن در کوتاه‌مدت از دو جهت اهمیت دارد. اول، دولت چین کمی کمتر از یک سوم صادرات نفت عراق را خریداری می‌کند. این امر چین را به منبع اصلی درآمدی تبدیل می‌کند که توافق سیاسی و قرارداد اجتماعی عراق را پایدار نگه می‌دارد. این امر لزوماً به پکن قدرت نفوذ زیادی نمی‌دهد، زیرا بازار جهانی نفت بر اساس قیمت‌های لحظه‌ای و قراردادهای کوتاه‌مدت عمل می‌کند. با این وجود، اگر صادرات نفت عراق به چین بیشتر افزایش یابد، هرگونه وقفه تجاری می‌تواند منجر به وقفه‌های موقت در جریان‌های درآمدی با پیامدهای بی‌ثبات‌کننده مالی برای عراق شود. دوم، و مرتبط‌تر، زیرساخت‌های نفتی عراق قدیمی است و برای حفظ تولید در همان سطح تولید، نیاز به تعمیر و نگهداری در مقیاس بزرگ در آینده نزدیک دارد. این موضوع اهمیت دارد زیرا درآمدهای حاصل از صادرات نفت عراق حدود ۸۵ درصد از بودجه دولت را تشکیل می‌دهد که به نوبه خود منبع اصلی ثبات سیاسی و اجتماعی است. امروزه، شرکت‌های چینی در حال حاضر در نیمی تا دو سوم تولید نفت عراق به عنوان سرمایه‌گذار، تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات مشارکت دارند. سرمایه‌گذاری، نگهداری و اکتشاف مداوم چین برای حفظ تولید نفت عراق ضروری خواهد بود، حتی اگر این امر مستلزم فناوری‌هایی باشد که شرکت‌های چینی لزوماً آنها را ندارند (Qiao and Huang, 2024: 2). به طور خلاصه، با افزایش حضور چین در صنعت نفت عراق، بغداد در معرض خطر وابستگی بیشتر به پکن قرار می‌گیرد که این امر به چین قدرت نفوذ می‌دهد.

۶. روابط چین با اقلیم کردستان عراق

در رابطه با اقلیم کردستان عراق، پس از حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و تجربه حکومت فدرال در عراق که شامل اقلیم کردستان نیز می‌شود، بازیگران جهانی و منطقه‌ای به دنبال تقویت روابط و گسترش حوزه نفوذ خود در اقلیم کردستان بودند. پس از سال ۲۰۰۳، شرکت‌های دولتی چین از طریق



کانال‌های رسمی مانند وزارت نفت عراق و کانال‌های غیررسمی مانند روسای شرکت‌های بزرگ، روابط تجاری و خطوط ارتباطی برای همکاری با اقلیم کردستان برقرار کردند. چین در اواخر سال ۲۰۱۴ یک کنسولگری عمومی در اربیل افتتاح کرد و به آخرین عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل تبدیل شد که این کار را انجام داد (Shareef, 2016: 71-73). از نظر روابط تجاری با اقلیم کردستان، چین با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه برای جایگاهی، به ویژه در بازار داخلی منطقه، رقابت می‌کند. اقلیم کردستان علاوه بر ذخایر عظیم گاز طبیعی، ذخایر نفتی نیز دارد، بنابراین چینی‌ها مشتاق سرمایه‌گذاری در آنجا هستند در سال‌های اخیر، صدها شهروند چینی در منطقه کردستان زندگی می‌کنند و سرمایه‌گذاری‌های چین در میادین نفتی و زیرساخت‌های کردستان به سرعت در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۹، شرکت Sino Epic سرمایه‌گذاری در بخش نفت در کردستان عراق را آغاز کرد. نمونه مهم دیگر از تعامل چین، خرید یک شرکت پتروشیمی چینی توسط یک شرکت سوئیسی و قراردادی با منطقه کردستان در مورد حق استفاده از انرژی نفت. امروزه، چین یکی از شرکای تجاری اصلی منطقه کردستان عراق است و در حال گسترش مشارکت خود در زیرساخت‌های مخابراتی، آموزش و سایر قدرت‌های نرم است (Qiao and Huang, 2024: 2).

مهم‌ترین فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در سپتامبر ۲۰۲۰ بود، زمانی که یک شرکت چینی به کمیسیون سرمایه‌گذاری اربیل پیشنهاد ساخت یک شهر توریستی به نام شهر شاد به ارزش ۵ میلیارد دلار را داد. این پروژه در منطقه‌ای بسیار بزرگ ساخته خواهد شد. علاوه بر این، یک شرکت چینی دیگر در ژانویه ۲۰۲۱ ساخت بزرگترین مراکز خرید در اربیل را آغاز کرد. علاوه بر این، وزارت کشاورزی در دولت منطقه‌ای کردستان و گروه بین‌المللی پاور چاینا تفاهم‌نامه‌ای برای ساخت چهار سد در این منطقه امضا کردند. این شرکت چینی بهترین معامله را با کمترین هزینه برای منطقه ارائه داد (Shali, 2023: 1). شرکت‌های چینی مانند هواوی ساجو و یک شرکت مهندسی ماشین‌آلات، ابتکار عمل را برای سرمایه‌گذاری در شمال عراق به دست گرفته‌اند. با کمک چین، اقلیم کردستان در حال حاضر در حال اجرای یک پروژه ساخت کارخانه سیمان برای یک شرکت مهندسی ماشین‌آلات است. علاوه بر این، شرکت‌های چینی قصد دارند به عنوان بخشی از پروژه قرارداد نفتی، یک شهر علمی در شمال عراق بسازند. در عرصه‌های فرهنگی و بشردوستانه، دپارتمان آموزش زبان چینی در دانشگاه صلاح‌الدین در اربیل، پایتخت اقلیم کردستان، در سال افتتاح شد و برنامه‌هایی برای افتتاح دپارتمان آموزش زبان کردی در دانشگاه پکن در پکن در نظر گرفته شده است. در طول شیوع بیماری همه‌گیر کرونا، چین توجه خود



را به عراق، همراه با سایر کشورهای غرب آسیا، معطوف کرده و واکنش‌هایی را برای اقلیم کردستان عراق فراهم کرده است. چین همچنین تجهیزات پزشکی خود را به این منطقه صادر کرده است.

نتیجه‌گیری

رابطه چین و عراق نقش گسترده‌ای در تلاش‌های عراق برای بازسازی و توسعه خود ایفا می‌کند. اتحاد ایجاد شده بین چین و عراق نمونه‌ای خیره‌کننده از تبدیل ارتباط دیپلماتیک به یک نیروی محرک اقتصادی است. چین سرمایه‌گذاری زیادی در توسعه زیرساخت‌های عراق انجام داده است. این سرمایه‌گذاری شامل ابتکاراتی در زمینه‌های مخابرات، حمل و نقل و انرژی است. مشارکت و سرمایه‌گذاری چین در عراق اخیراً گسترش یافته و آن را به بزرگترین سرمایه‌گذار این کشور تبدیل کرده است. شرکت‌های چینی همچنین در پروژه‌های توسعه و اکتشاف نفت در عراق و سایر مناطق در منطقه کردستان عراق فعالیت داشته‌اند. روابط تجاری متعادلی وجود دارد زیرا چین یکی از مهمترین شرکای تجاری عراق است. به نظر می‌رسد که افزایش همکاری بین چین و عراق نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری‌های عظیم در چندین بخش حیاتی مانند انرژی، زیرساخت‌ها و مسکن است. توافق‌نامه‌های تجاری بین دو کشور، مانند معامله «نفت در برابر ساخت و ساز»، منجر به پروژه‌های بزرگی از جمله ساخت شهرها، فرودگاه‌ها و کارخانه‌ها شده و نقش چین را به عنوان یک سرمایه‌گذار کلیدی در عراق تقویت می‌کند. با توجه به توازن‌های بین‌المللی، عراق از طریق سیاست خارجی خود در تلاش است تا به تعادل استراتژیک دست یابد. عراق با ایالات متحده و همچنین با اروپا، چین، فرانسه و اتحادیه اروپا رابطه استراتژیک دارد. عراق قادر است ضمن حفظ روابط استراتژیک خود با ایالات متحده، روابط استراتژیک خود با چین را تقویت کند. در پایان، رابطه چین و عراق از روابط دیپلماتیک به یک مشارکت اقتصادی قوی تبدیل شده است و چین نقش محوری در برنامه‌های بازسازی و توسعه عراق ایفا می‌کند. آینده امیدوارکننده به نظر می‌رسد زیرا هر دو کشور همچنان به دنبال یافتن راه‌هایی برای رشد و همکاری متقابل هستند. همانطور که هر دو کشور در مسیر همکاری اقتصادی گسترده قرار می‌گیرند، تأثیر پایدار سرمایه‌گذاری‌های چین و آرمان‌های استراتژیک عراق، آینده‌ای امیدوارکننده را نشان می‌دهد.

در عراق، تضمین جریان قابل اعتماد نفت است که واردات نفت پکن را متنوع می‌کند اما آن را به بغداد وابسته نمی‌کند. بنابراین، حجم فعلی تجارت نفت آنها، با توجه به اینکه عراق تقریباً ۱۰ درصد از واردات نفت چین را تأمین می‌کند، جای رشد دارد. می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاری بیشتر چین در صنعت نفت و زیرساخت‌های عراق در سال‌های آینده، شرکت‌های چینی را به بازیگران مهم‌تری در صنعت



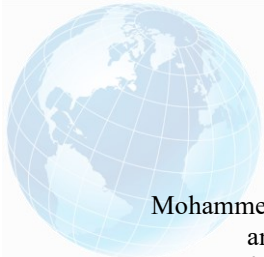
نفت عراق تبدیل کند. در نتیجه، روابط با چین برای نخبگان سیاسی عراق اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. عراق چین را به عنوان یک کشور بی طرف می بیند که از هدف بغداد برای بازایی کامل حاکمیت خود حمایت می کند و می تواند با دانش و همچنین بودجه از توسعه عراق حمایت کند. با این وجود، این بدان معنا نیست که چین و ایالات متحده تا آنجا که به نخبگان سیاسی این کشور مربوط می شود، درگیر یک بازی با حاصل جمع صفر برای ارتباط و نفوذ در عراق هستند. آنها صرفاً به دنبال حفظ روابط با هر دو کشور هستند. از آنجایی که چین هیچ حضور نظامی در عراق ندارد، هیچ همکاری امنیتی به جز حفاظت از دارایی های اقتصادی چین توسط شرکت های امنیتی (خصوصی) و تجارت محدود اسلحه وجود ندارد. پکن این رابطه را عمدتاً از طریق ابزارهای اقتصادی توسعه می دهد. چین حدود ۳۰ درصد از صادرات نفت عراق را تشکیل می دهد که قابل توجه است زیرا درآمدهای نفتی حداقل ۸۵ درصد از بودجه ملی عراق را تشکیل می دهد. در مقابل، عراق حدود ۱۰ درصد از واردات نفت چین را تشکیل می دهد که به چین کمک می کند تا وابستگی نفتی خود را به عربستان سعودی، روسیه و ایران کاهش دهد. گرچه نفت هسته اصلی منافع چین در عراق را تشکیل می دهد، اما ردپای اقتصادی آن به تدریج گسترش یافته و بخش های دیگری را نیز در بر گرفته است. شرکت های چینی، به ویژه هوآوی، در حوزه هایی مانند مخابرات، امنیت سایبری و دولت الکترونیک فعال هستند. چین همچنین در تولید برق و حمل و نقل سرمایه گذاری می کند. بسیاری از پروژه ها در چارچوب طرح یک کمربند، یک جاده، که عراق در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از مشارکت استراتژیک خود به آن پیوست، توسعه یافته اند. بغداد خیلی زود به یکی از ذینفعان اصلی طرح کمربند و جاده تبدیل شد.

منابع

- Al-Badri, K. A. (2024, October 14). Iraqi-Chinese relations: the outcome of the past, the present and the bet of the future. Jummar Media. <https://jummar.media/6155>.
- Al-Hayali A (2015) China's Foreign Policy Towards Iraq Since 2003. Amman: Academic For Publishing & Distribution.
- Al-Masaoodi, A. (2022). China and Iraq: 1949–2016 (1st ed.). The University of Western Australia.
- Almotairi, S. G. (2021). China's Emergence as a Superpower in the World Order. Margalla Papers, 25(2), pp.35–46.



- Al-Shafiy, H. R. (2015). CNPC, CNOOC and SINOPEC in Iraq: Successful Start and Ambitious Cooperation Plan. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 9(1), pp. 78-98.
- Barbieri K (1996) Economic interdependence: A path to peace or a source of interstate conflict? *Journal of Peace Research* 33(1): 29–49.
- Calabrese J (1992) Peaceful or dangerous collaborators? China's relations with the Gulf countries. *Pacific Affairs* 65(4): 471–485.
- Degerald M (2018) *The Legibility of Power and Culture in Ba'athist Iraq from 1968–1991*. PhD Thesis, University of Washington, USA.
- El-Kholi H (2018) China's energy strategy in Iraq and Iraqi Kurdistan. In: Danilovich A (ed.) *Federalism, Secession, and International Recognition Regime: Iraqi Kurdistan*. New York: Routledge, pp. 182–215.
- Emadi H (1994) China and Iraq: Patterns of interaction, 1960–1992. *Economic and Political Weekly* 29(53): 384–403.
- Fazil, S., & Tartir, A. (2023). Iraq in 2023: Challenges and prospects for East Journal, 61(2), pp.199-218.
- Gater-Smith P (2017) Complex interdependence in the China–Saudi–US triangle? In: Ehteshami A, Horesh N (eds) *China's Presence in the Middle East: The Implications of the One Belt, One Road Initiative*. New York: Routledge, pp. 121–152.
- Graaff N and et al (2020) China's rise in a liberal world order in transition – Introduction to the Forum. *Review of International Political Economy* 27(2): 191–207.
- Grosse, R., J. Gamso, and R. C. Nelson. 2021. "China's Rise, World Order, and the Implications for International Business." *Management International Review* 61:1–26.
- Grosse, R., J. Gamso, and R. C. Nelson. 2022. "De-globalization is a Myth." *AIB Insights* 22 (2): 1–6.
- Gul, Z. (2023). The New Era of the Continuum of China and Iraq Relationship. *Asian Journal of Comparative Politics*, Vol. 8(1) pp.348-363.
- Gulmohamad Z (2021) *The Making of Foreign Policy in Iraq: Political Factions and Ruling Elite*. London: I.B. Tauris.
- Hama Sdiq, Karmand (2023) *Study on Influencing Factors on the Sino-Iraq Bilateral Trade : 2003-2022* , A Thesis Presented to School of International Trade and Economics , Jiangxi University of Finance and Economics.
- Hanish, Shak Bernard (2025) *SINO-IRAQI RELATIONS: FROM DIPLOMATIC TIES TO ECONOMIC PARTNERSHIP* *International Journal of Education and Social Science Research*, Vol. 8, Issue.1, Jan-Feb 2025, page no. 57-75.
- Hoh A (2021) COVID and China's BRI in Iraq and Syria. *Middle East Policy* 28(2): 31–47.
- Lee SJ (2013) From Beijing to Baghdad: Stability and decision-making in Sino-Iraqi relations, 1958–2012. *CUREJ: College Undergraduate Research Electronic Journal* – University of Pennsylvania.
- Macikenaite V (2020) China's economic statecraft: The use of economic power in an interdependent world. *Journal of Contemporary East Asia Studies* 9(2): 108–126.
- Marsoumi, N.J.A.R.A., & Kamel, M.R. (2021). Chinese accounting economic reform policies and their applicability in Iraq. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 25(6), 1-10.



- Mohammed, A. (2024, February 4). Iraqi-Chinese relations: Inheriting historical friendship and working together to create a better future. <https://arabic.cgtn.com/news/2024-02-04/1753989610189611010/index.html>.
- Moreira S (2013) Learning from failure: China's overseas oil investments. *Journal of Current Chinese Affairs* 42(1): 131–165.
- Ozheb, A. K. (2023, October 25). Will BRICS open its arms to Iraq? Amwaj Media. <https://amwaj.media/article/will-brics-open-its-arms-to-iraq>.
- Qian X (2016) The New Silk Road in West Asia under 'the Belt and Road' Initiative. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 10(1): 26–55.
- Qiao, J., & Huang, M. (2024, January 24). China-Iraq relations: A historical and contemporary perspective. Middle East Political and Economic Institute.
- Rasheed, Amjed (2024) Iraq's Struggle to Contend with the Sino-US Rivalry, *MIDDLE EAST POLICY*;31:102–119.
- Salem, A. (2023, December 4). Iraq's exports to China reach \$39.38 billion. Iraqi News. https://www.iraqinews.com/iraq/iraqs-exports-to-china-reach-39-38-billion/#google_vignette.
- Sassoon J (2018) China and Iraq. In: Reardon-Anderson J (ed) *The Red Star and the Crescent: China and the Middle East*. UK: Oxford University Press, pp.149–167.
- Schulhof V and et al (2022) The belt and road initiative (BRI): What will it look like in the future? *Technological Forecasting and Social Change* 175: 1–17.
- Shali, S. (2023, September 29). China's economic impacts on Iraq and the Kurdistan Region. *Kurdistan24*. <https://www.kurdistan24.net/ar/opinion/42551->
- Shareef M (2016) China's dual diplomacy: Arab Iraq and the Kurdistan region. In: Horesh N (ed.) *Toward Well-Oiled Relations? China's Presence in the Middle East Following the Arab Spring*. London: Palgrave Macmillan, pp. 69–93.
- Tang, T. (2022, February). China's influence in the Middle East: Iraq case study. *Middle East Review of International Affairs*, 25(1). <https://www.merias.org/chinas-influence-in-the-middle-east-iraq-case-study>.
- The Cradle. (2024, January 4). Chinese investment has sparked the rise of many significant infrastructure projects in Iraq. *The Cradle*. <https://thecradle.co/articles-id/17687>.